

## کهن‌ترین نقل‌ها از

### ترجمه منظوم وصیت امام علی به امام حسین (علیهما السلام)

جواد بشری\*

#### چکیده

در بررسی یکی از دست‌نویس‌های کهن ترجمه کلپله و دمنه، مورخ ۵۹۴ق، استشهاد به کلامی از امام علی (ع) و ترجمه منظوم آن به فارسی دیده می‌شود که پس از بررسی منابع حدیثی و ادبی، روشن شد که از ترجمه منظومه وصیت امام علی (ع) به امام حسین (ع) سروده سید حسن غزنوی اخذ شده است. یکی از فواید این یافته آن است که قدمت نقل و استناد به منظومه سید حسن غزنوی، چندین سال از آنچه تصور می‌شده، عقب‌تر برده می‌شود. همچنین در کتابی از اواخر سده ششم یا اوایل سده هفتم هجری موسوم به «مونس‌نامه» که در قلمرو اتابکان آذربایجان، توسط ادیبی به نام ابوبکر بن خسرو الاستاد، پدید آمده، بخش اعظم همین منظومه سید حسن غزنوی درج شده است. این یافته نیز نشان می‌دهد که در زمانی بسیار نزدیک به زمان پدید آمدن منظومه سید حسن، در یکی از مناطق بسیار دور از قلمرو غزنویان دوم، این اثر او از شهرتی بسزا برخوردار بوده و ادبای بزرگ آذربایجان به ترویج و تکثیر آن می‌پرداخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، امام حسین (ع)، سید حسن غزنوی، نصرالله منشی، مونس‌نامه، ابوبکر بن خسرو الاستاد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۶

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران / j.bashary@ut.ac.ir

## مقدمه

ترجمه منظومی از وصیت منسوب به امام علی (ع) خطاب به امام حسین (ع) در ۱۳۲ بیت، سروده سید حسن غزنوی (د. ۵۵۵ تا ۵۵۷ق) باقی است که چاپی از آن بر اساس چندین نسخه کامل و ناقص کهن در سال ۱۳۸۹ فراهم آمده است. در این چاپ به نقل‌هایی از منظومه که در کتاب راحة الصدور راوندی (اتمام نگارش در ۶۰۱ق، ۶۰۳ق یا اندکی پس از آن؛ نک. شکوهی، ۱۳۹۸: ۱۶۰؛ مفتاح و ولی، ۱۳۷۴: ۹۴-۹۵) آمده، توجه شده، و در واقع، قدیم‌ترین منبعی که از منظومه یادشده نقل کرده، همین کتاب راوندی معرفی شده است. «راوندی ۴۰ بیت از ترجمه منظوم وصیت امام علی (ع) را... در کتاب خود قرار داده که از این تعداد شش مورد تکراری است. با این حساب ۳۴ بیت غیر تکراری از این رساله در راحة الصدور وجود دارد» که در تعلیقات متن چاپی به تک‌تک آنها اشاره شده است (بشری، ۱۳۸۹: سی و دو). قدیم‌ترین دست‌نویسی که از این منظومه در دست است، تاریخ ۶۸۱ق دارد که بخشی از یک سفینه قرن هفتمی، محفوظ در کتابخانه اسماعیل صائب در شهر آنکارا به شماره ۳۷۷۵ است (همان: سی و شش - چهل و چهار). بنابراین، عموماً تصور می‌شد که قدیم‌ترین نقل‌ها از منظومه سید حسن غزنوی متعلق به زمان نگارش راحة الصدور، یعنی اوایل قرن هفتم هجری بوده است.

از یافته‌های پس از تصحیح و چاپ منظومه سید حسن غزنوی، سرنخ‌ها و دست‌نویس‌های دیگری از این متن است که اغلب در فهرس به صورت ناقص معرفی شده و یا از فهرست‌های جدید بعضی کتابخانه‌ها به دست آمده است. مجموع این دست‌نویس‌های تازه‌یاب، نقل‌ها و استنادها، رواج گسترده این منظومه را، از همان سده ششم هجری، تا دورترین نقاط نسبت به قلمرو غزنویان دوم (هند) - که متن در آنجا شکل گرفته و به دربار آنان تقدیم شده است - نشان می‌دهد، تا حدی که حتی روایت نسبتاً کاملی از آن در کتابی از اواخر سده ششم یا اوایل سده هفتم هجری از شمال غرب ایران درج شده است. این کشف، و نیز شناسایی نسخه‌های متعدد و بسیار معتبر دیگر از این منظومه کوتاه و پراهمیت، تصحیح دیگری از آن را اقتضا می‌کند که امید است به زودی انجام شود. یکی

از رویدادهای جالب دیگر، نقل یک بیت از این منظومه در دست‌نویس کهنی از کلیله و دمنه بهرامشاهی مورخ ۵۹۴ق است، نقلی که فعلاً قدیم‌ترین نقل تاریخ‌دار از منظومه سید حسن غزنوی به شمار می‌رود. این که آیا این بیت را نصرالله منشی در نیمه نخست سده ششم هجری شخصاً در کتاب خود آورده و یا کاتبان بعدی آن را به متن افزوده‌اند، محل بحث است و باید برای یافتن پاسخ به بسیاری از دست‌نویس‌های ترجمه کلیله نصرالله منشی مراجعه شود. نوشتار حاضر، به این دو سند متعلق به قرن ششم و هفتم هجری که دارای نقل‌هایی از اثر سید حسن غزنوی است می‌پردازد.

**الف) بیتی از منظومه سید حسن غزنوی در نسخه مورخ ۵۹۴ق از ترجمه کلیله و دمنه**  
وجود بیتی از ترجمه منظوم وصیت امام علی<sup>(ع)</sup> به امام حسین<sup>(ع)</sup> از سید حسن غزنوی در یک نسخه کهن از ترجمه کلیله و دمنه اثر نصرالله منشی، بسیار عجیب است. این بیت در متن چاپی کلیله و دمنه بهرامشاهی تصحیح مجتبی مینوی نیامده و تنها در موضعی از یکی از دست‌نویس‌های کهن آن درج شده است. پیش از هر چیز، آن موضع از متن بر اساس دست‌نویس مورخ ۵۹۴ق، بازخوانی می‌شود. جملات نقل‌شده در زیر، از نظر ضبط، اغلب بر اساس همین دست‌نویس است و آنچه فقط در نسخه ما آمده و در حقیقت، موضوع بحث در نوشتار حاضر است، داخل < > قرار گرفته است.

و هرک درگاه ملوک را ملازم باشد [چاپی: گردد و] از تحمل رنج‌های صعب و تجرّع  
شربت‌های بدگوار تجنّب نماید و تیزی آتش خشم را به [چاپی: + صفای] آب حلم بنشانند  
[نسخه ۵۹۴: نشانند] و شیطان هوا را به افسون خرد در شیشه کند [نسخه ۵۹۴: نکند] و  
حرص فرینده را بر عقل رهنمای استیلا ندهد، > جُنَانِکَ امِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ کَرَّمَ اللّٰهُ  
وَجْهَهُ کَفْتَهُ اسْت: الصَّبْرُ جُنَّةُ الْفَاقَةِ؛

فاقه هر گه کی کرد دست به تیر سپر صبر تیغ زن بر گیر

و بنای کارها بر کوتاه‌دستی و رای راست نهذ و حوادث را به رفق و مدارا تلقی نماید هرآینه  
مراد [چاپی: مراد هرآینه] در لباسی [چاپی: لباس] هرج نیکوتر او را استقبال واجب بیند  
[چاپی: استقبال کند] (نصرالله منشی، ۱۳۹۹: ۷۲-۷۳/37a-36b؛ همو، ۱۳۷۹: ۶۵).

اصل متن این کلام امام علی<sup>(ع)</sup> را منابعی به نام ایشان آورده‌اند (برای نمونه، نک. ابن‌شعبه الحرّانی، ۱۳۶۳: ۹۰؛ الکرّاجکی، ۱۴۰۵: ۱/۱۴۰؛ القبانچی، ۱۴۲۱: ۱۰/۱۲۸،

در همه این منابع به صورت «الصبر جنة من الفاقة»، اما این کلام در کنار بیت فارسی، قطعاً برگرفته از همین ترجمه منظوم سید حسن غزنوی است، و در چایی که از آن شده، فقره ۷۳ است که با کمترین دگرسانی در دست‌نویس‌هایی که در اختیار مصحح قرار داشته، به این صورت ثبت شده است:

الصَّبْرُ جَنَّةُ الْفَاقَةِ: فاقه هر گه که دست کرد به تیر | سپر صبر تیغ‌زن برگیر (سید حسن غزنوی، ۱۳۸۹: ۱۵).

دست‌نویسی از ترجمه کلیده و دمنه که بیت سید حسن را در همین موضع حفظ کرده، دست‌نویس شماره ۱۱۱ کتابخانه ملی آنکارا (پیش‌تر: کتابخانه وزارت معارف) است که چندی پیش به صورت عکسی (نسخه‌برگردان) منتشر شد. این دست‌نویس به خط «محمد بن هرون السیفی» است و کتابت آن در دهه نخست ذی‌قعدة ۵۹۴ق به پایان رسیده است.

سبب غفلت از این بیت در کتاب نصرالله منشی آن است که مینوی در تصحیح خود نسخه‌بدل‌ها و دیگرسانی‌های متعدّد و متنوّع دست‌نویس‌های مورد‌مراجعه خویش را ثبت نکرده و تنها به حفظ و عرضه تعداد اندکی از دیگرسانی‌ها، به تناسب نیاز و اقتضای شرح خویش، اقدام نموده است. اما آیا این دیگرسانی بسیار حسّاس که حدیثی و بی‌تی را به متن می‌افزاید، ارزش آن را نداشت که در همین نمونه‌های اندکی از عرضه نسخه‌بدل‌ها، به آن اشاره شود؟ زیرا به هر حال این نسخه‌بدل در دومین دست‌نویس بسیار کهن تاریخ‌دار کتاب یافت شده و از کمال اهمیت برخوردار است. دلیل سکوت مینوی در پانویس این بخش، جایی که می‌توانست این کلام و بیت ترجمه آن را به‌عنوان یک دیگرسانی و نسخه‌بدل پراهمیت عرضه کند، ظاهراً آن است که تصویر دست‌نویس ۵۹۴ق (دست‌نویس آنکارا، یعنی دومین دست‌نویس تاریخ‌دار تصحیح مینوی) بسیار دیر به دست او رسیده و در واقع مصحح زمانی تصویر آن را دریافت کرده که متن تا صفحه ۳۴۶ تصحیح نهایی و حروف‌چینی نیز شده بوده (بشری، ۱۳۹۹: د) و او چاره‌ای جز عبور از آن نداشته است.

برای تشخیص این‌که درج بیت مذکور در کلیده و دمنه توسط خود نصرالله منشی، فرضاً در یکی از تحریرهای اثر، صورت گرفته یا برافزوده یکی از کاتبان فاضل این اثر است، باید به دست‌نویس‌های موجود از ترجمه کلیده مراجعه کرد. ولی پیش از هر چیز، لازم است

بدانیم که آیا اساساً نقل از این ترجمه منظوم برای نصرالله منشی امکان پذیر بوده، یا کاتبان و ناسخان بعدی متن کلیله و دمنه بهرامشاهی آن را افزوده‌اند.

نصرالله منشی ظاهراً بین ۵۳۸ تا ۵۴۰ق کتاب یا، محتاطانه بگوئیم، تحریری از کتاب خود را تهیه و به بهرامشاه غزنوی (حک. ۵۱۲-۵۴۷ق)، از غزنویان دوم، تقدیم کرده تا دیوان انشاء و رسائل به تکثیر آن مبادرت کند. سید حسن غزنوی نیز منظومه کوتاه خویش را به «علاءالدین ابوالمظفر مسعود بن ظهیرالدوله ابی‌المظفر ابراهیم بن ابی‌سعید مسعود بن یمین‌الدوله ابی‌القاسم محمود بن سبکتگین» (حک. ۴۸۱-۵۱۱ق) تقدیم نموده است. او که در نمودارهای سلسله غزنویان به مسعود سوم غزنوی شهره است، پدر بهرامشاه غزنوی است (بشری، ۱۳۸۹: بیست‌ونه - سی ویک). این همان بهرامشاهی است که هم سید حسن غزنوی بیشترین مدایح خویش را در ستایش او سروده و هم نصرالله منشی کلیله و دمنه را به او پیشکش کرده است. بنابراین از نظر تاریخی استبعادی ندارد که نصرالله منشی بیتی از منظومه شاعر پیشگام و شهیر روزگار خود را، که به دستگاه ممدوح او نیز منتسب بوده، در اثر خود بیاورد. نصرالله منشی چنان‌که روش او بوده، ابیاتی از دیگر شاعران دستگاه غزنوی را نیز، بدون ذکر نام سراینده، در تضاعیف کتاب خود آورده است. پس فرض نخست، فعلاً از نظر تاریخی و منطقی، فرض محالی نیست. البته بررسی جزئیات دیگری برای اثبات آن ضروری است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت؛ مهم‌تر از همه، بررسی تک‌تک نسخه‌های کهن کلیله و دمنه بهرامشاهی است که در اثبات فرض دوم اهمیت زیادی دارد. اما پیش از آن، لازم است مجملی از ارتباط سید حسن غزنوی با نصرالله منشی و خاندان او گفته شود، زیرا اثبات این ارتباط می‌تواند مؤیدی بر آشنایی نصرالله منشی با منظومه سید حسن غزنوی باشد.

سید حسن غزنوی، در دو قصیده و یک ترکیب بند، پدر نصرالله منشی، یعنی قوام‌الدین نظام‌الملک ابونصر محمد بن عبدالحمید مستوفی، را مدح گفته (بگ‌جانی، ۱۳۹۷: بیست‌ودو؛ سید حسن غزنوی، ۱۳۹۷: ۱۲۳-۱۲۴، ۱۴۵-۱۴۷، ۲۵۰؛ ساکت، ۱۳۹۸: ۵۶۳) و خود نصرالله را نیز در قصیده‌ای ستایش کرده است (بگ‌جانی، ۱۳۹۷: بیست‌ودو؛ سید حسن غزنوی، ۱۳۹۷: ۱۵۳-۱۵۵؛ ساکت، ۱۳۹۸: ۵۶۳). نیز

باید یادآور شد که جدّ نصرالله، یعنی عبدالحمید بن احمد بن عبدالصمد، در دستگاه غزنویان دوم به وزارت رسیده و به مدت سی و هشت سال خدمت کرده است (ساکت، ۱۳۹۸: ۵۶۲). این بدان معناست که دوران وزارت عبدالحمید بن احمد، روزگار حکومت مسعود سوم غزنوی را نیز در بر می‌گرفته است، و در حقیقت منظومه سید حسن در ترجمه وصیت امام علی<sup>(ع)</sup>، که به نام همین مسعود سوم غزنوی بوده، زمانی به دربار غزنویان دوم تقدیم شده که جدّ نصرالله منشی در آن دستگاه وزارت داشته است. با این توضیحات، می‌توان گفت که نصرالله منشی با آثار سید حسن غزنوی، از جمله همین منظومه او، آشنایی کامل داشته است.

اما به منظور تعیین این که بیت مورد بحث توسط کاتبان و ناسخان بعدی کلیله و دمنه بهرامشاهی به متن این اثر افزوده شده یا نه، لازم است همه دست‌نویس‌های موجود این کتاب ملاحظه گردد تا روشن شود که آیا این بیت متعلق به یکی از تحریرهای شخص پدیدآور بوده، یا کاتبان، پس از درگذشت نصرالله منشی، آن را به متن افزوده‌اند. البته تا زمانی که تبارنامه دست‌نویس‌های ترجمه کلیله نصرالله منشی تهیه نشود، حتی اگر چند دست‌نویس نیز به دست آید که کلام امام علی<sup>(ع)</sup> و ترجمه فارسی را در موضعی مشابه داشته باشد، باز هم این احتمال هست که کاتبی آن را به متن اضافه کرده باشد؛ زیرا ممکن است یک کاتب قرن ششمی، مثل کاتب دست‌نویس آنکارا، این کلام و ترجمه فارسی آن را به متن افزوده باشد و کاتبان دیگر، مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم، از روی آن استنساخ کرده باشند، بدون آن که بدانند این افزودگی، به قلم فردی جز مؤلف اصلی بوده است.

خوشبختانه این معضل با پیدا شدن استشهاد دیگری به همین کلام امام علی<sup>(ع)</sup> در دست‌نویسی دیگر حل شده است؛ بدین ترتیب که در یکی از دست‌نویس‌های نسبتاً قدیم از ترجمه کلیله و دمنه، بخشی از این فقره، با اندک تفاوتی نسبت به دست‌نویس ۵۹۴ق آنکارا آمده است که به احتمال قریب به یقین دارای تباری متفاوت از دست‌نویس آنکاراست و لذا می‌توان فرض کرد که شاید این فقره نه به دست کاتبی دیگر بلکه توسط خود نصرالله منشی اضافه شده است. البته این ترجیح همچنان در حد یک فرض می‌ماند تا همه دست‌نویس‌های موجود کلیله و دمنه بررسی، و تبارنامه‌ای حتی المقدور دقیق برای آنها فراهم شود (برای آگاهی

از برخی دیگر از نسخه‌های این اثر، نک. بشری، ۱۳۹۹: ص «ج».

دست‌نویسی که در این فقره اندک شباهتی با دست‌نویس ۵۹۴ق دارد، دست‌نویس شماره ۱۰۲۲ روان‌کوشکو از مجموعه عظیم طویقایی سرای در استانبول است که در ۸۳۳ق در دستگاه بایسنغر در هرات کتابت و آرایش شده است. کاتب دست‌نویس «محمد بن حسام» مشهور به «شمس‌الدین بایسنگری» است و در محرم سال مزبور از کتابت نسخه فراغت یافته است (از این دست‌نویس در مقدمه مینوی بر تصحیح کلیله و دمنه یاد شده است، نک. مینوی، ۱۳۷۹: ک، که در آنجا این دست‌نویس با رمز «بایسنگری» مشخص شده است). چنین است عین فقره موردبحث در دست‌نویس بایسنگری:

هر که درگاه ملوک را ملازم گیرد و از تحمل رنجهای صعب و تجرع شربت‌ها بدگوار تجنب  
نماید و تیزی آتش خصم [کذا] را به صفای آب حلم بنشاند > تیر فاقه را به سپر صبر  
هدف سازد، چنانک امیرالمؤمنین حسین رضی الله عنه گفت آورده است: "الصَّبْرُ جُنَّةُ  
الْفَاقَةِ" و شیطان هوا را به افسون خرد در شیشه کند و حرص فریبنده را بر عقل رهنمای  
استیلا نهد و بنا کارها بر کوتاه‌دستی و راه راست نهد و حوادث را به رفق و مدارا تلقی  
نماید، مراد او در لباس هر چه نیکوتر او را استقبال واجب بیند (نصرالله منشی، کلیله و  
دمنه، طویقایی: ۲۶-۲۶پ).

تفاوت این بخش افزوده در نسخه بایسنگری با نسخه ۵۹۴ق آن است که اولاً موضعی که کلام عربی به متن فارسی اضافه شده در دو نسخه یکسان نیست؛ ثانیاً، بیت فارسی به دنبال آن نیامده و تنها در جمله پیش از کلام عربی نشانه‌هایی از آن به صورت ترکیب‌های «تیر فاقه» و «سپر صبر» دیده می‌شود؛ و ثالثاً، کلام به «امیرالمؤمنین حسین» منتسب شده است. همه این اختلاف‌ها نشان می‌دهد که کاتب دربار بایسنغر نمی‌توانسته این بخش را مستقیماً از دست‌نویس مورخ ۵۹۴ق گرفته باشد؛ به عبارت دیگر، تبار این دو دست‌نویس در این موضع به هیچ‌وجه یکی نیست. بنابراین، سخت بتوان پذیرفت که این بخش برافزوده یک کاتب محلی بر نسخه ملکی خود از ترجمه کلیله و دمنه بوده است.

با توجه به خطای موجود در عبارت موردبحث در دست‌نویس بایسنگری، اینجا فرضی به ذهن متبادر می‌گردد. آن خطا چنین است: «چنانک امیرالمؤمنین حسین رضی الله عنه گفت آورده است!» شاید، و تنها بر اساس فرضی نه‌چندان بعید، بتوان تصور کرد که دبیران

دستگاه بایسنغر تیموری که به کار تصحیح و مضبوط ساختن متن کلیله بهرامشاهی از روی نسخه‌های متعدد اشتغال داشته‌اند، جمله اخیر را به این صورت ضبط کرده بوده‌اند: «چنانک امیرالمؤمنین [علی، در وصیتی که به] حسین رضی الله عنه گفت، آورده است»، اما کاتب نسخه اخیر، از این جمله، چند واژه‌ای را که داخل قلاب قرار داده‌ایم سهواً از قلم انداخته و حتی اگر می‌خواست خطای خویش را تصحیح کند نیز، به سبب پرهیز از قلم‌گرفتگی در نسخه و مراعات زیبایی ظاهری، همان را در متن حفظ کرده است. فرض‌های مشابه دیگری نیز برای خوانش اخیر از این عبارت قابل تصور است که نتایج نسبتاً مشابهی خواهد داد.

باری، با یافت شدن ضبط دست‌نویس بایسنگری از این بخش از ترجمه کلیله و دمنه، دیگر نمی‌توان ضبط نسخه ۵۹۴ق را یک ضبط کاتب‌افزوده و بی‌اهمیت تلقی کرد و این احتمال سخت قوت می‌گیرد که خود نصرالله منشی در یکی از تحریرهای ترجمه کلیله و دمنه، به ترجمه منظوم وصیت امام علی (ع) به امام حسین (ع) سروده سید حسن غزنوی استشهاد کرده، اما از آنجا که آن تحریر، کمتر مجال تکثیر و نشر یافته، بیشتر دست‌نویس‌های موجود از کتاب نصرالله منشی این فقره را ندارد. در این صورت است که می‌توانیم اعلام کنیم که قدیم‌ترین نقل از منظومه سروده سید حسن غزنوی، به نیمه نخست قرن ششم و در زمان فعالیت نصرالله منشی برای ترجمه کلیله و دمنه (بین ۵۳۸-۵۴۰ق) باز می‌گردد.

اما اگر به هر دلیل، مثلاً یافت شدن اسناد جدیدی در آینده، نتیجه‌گیری اخیر پذیرفته نباشد، باز ممکن است که آن را کاتبی در سال ۵۹۴ق، به نسخه‌ای که از ترجمه کلیله نصرالله منشی کتابت می‌کرده افزوده باشد؛ این نشان‌دهنده شهرت ترجمه منظوم سید حسن غزنوی از وصیت امام علی (ع) در آن روزگار است و باز ما را با قدیم‌ترین نقل موجود از این متن آشنا می‌کند.

ب) وجود بخش عمده منظومه سید حسن غزنوی در مونس‌نامه

متن کهنی موسوم به «مونس‌نامه» اثر دانشور ناشناخته‌ای به نام ابوبکر بن خسرو الاستاد،



گنجینه جنگ مانند کم‌نظیری حاوی داستان‌ها، امثال و روایت‌هایی کهن است که در قلمرو آذربایجان به اتابک نصره‌الدین ابوبکر بن محمد بن ایلدگز (حک. ۵۸۷-۶۰۷ق) تقدیم شده است. این اثر اکنون بر اساس دست‌نویس واحد در دست تصحیح و انتشار است، اما پیش‌تر، نگارنده در دو پژوهش خود به نسخه یگانه آن در کتابخانه بریتانیا به شماره Or.9317 مراجعه و مطالبی را عرضه کرده است (نک. بشری، ۱۳۹۸: ۱۲۹-۱۳۱، ۱۴۱/ یادداشت ۸).

باب دوم از این کتاب، طبق عنوانی که در فهرست ثبت‌شده در دیباجه اثر آمده، «در وصیت‌ها امیرالمؤمنین علی پسر خود را امام حسین علیهما الصلوة والسلام» است (ابوبکر بن خسرو الاستاد، مونس نامه، بریتانیا: ۳پ) و عنوانی که در آغاز این باب دیده می‌شود چنین است: «باب دوم، در وصایای امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب حسین راع و ترجمه آن به شعر» (همان: ۶ر). آنچه در بخش مزبور آمده، در مقایسه با متن کامل این منظومه، حاوی فقره ۲ (گفت سلطان اولیا به حسین...) تا پایان فقره ۱۰۱ (تا نگردد ز بند اینها فرد...)، با جابه‌جایی‌ها و نیز تفاوت‌هایی است و دیباجه منظوم شاعر را هم ندارد. در تصحیح مجددی که از منظومه سید حسن غزنوی عرضه خواهد شد، همه دگرسانی‌ها ثبت و برای بهبود کیفیت متن به کار گرفته می‌شود. تحریری که در مونس نامه از این منظومه ثبت شده، در موضعی به‌کل با آنچه در همه نسخه‌های به‌کاررفته در تصحیح دیده می‌شود تفاوت دارد. در اینجا برای آگاهی از برخی اختلاف‌های تحریر موجود در مونس نامه با صورت چاپی، ابتدا نمونه‌وار به مواردی اشاره می‌شود که تفاوت‌های بین دو متن اندک است، و سپس به تفاوت‌های مهم‌تر پرداخته خواهد شد. از اختلاف‌های جزئی، به این موارد می‌توان اشاره کرد (شماره فقره، شماره مصرع، ضبط چاپی: دگرسانی موجود در نسخه مونس نامه):

– فقره ۵، ۱م، گر توانگر بوی: گر توانگر شوی (این ضبط تنها در نسخه E آمده و پیش‌تر تصور بر این بود که ضبط بسیار متأخری است، اما اکنون روشن شد که دست‌کم در یک منبع بسیار کهن از اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم هجری نیز به این صورت سابقه دارد).

- فقره ۱۰، ۱م، هر چه آن جز بهشت و دیدار است: هر چه آن جز بهشت دیدار است (ضبط حاضر با ضبط نسخه E یکسان است).
- فقره ۱۱، ۲م، چون گل باغ عافیت دان خوش: چون گل و باغ و عافیت دان خوش.
- فقره ۱۴، ۱م، هر که تیغ ستم کشد بیرون: هر که تیغ ستم کشید برون.
- فقره ۱۵، ۲م، هم اوفتد در چاه: خود اوفتد در چاه (ضبطی که در نسخه F نیز دیده می شود).
- فقره ۱۸، ۱م، هر که با کارها ستیزه کند: هر که در کارها ستیزه کند (این ضبط مورد تأیید دو دست نویس EC است).
- فقره ۲۷، ۲م، که بجد: که بدم.
- فقره ۲۹، ۲م، هرزه لای: هرزه رای.
- فقره ۵۱، ۲م، دیدگانش: دیدهاش.
- فقره ۶۱، ۱م، چیست پرهیز؟ نور چشم کرم: چیست تقوی؟ چون نور چشم کرم.
- فقره ۶۶، ۲م، بُختی کاروان رنج و همست: مرکب قهرمان بس المست.
- فقره ۷۳، ۱م، فاقه هر گه که دست کرد به تیر: فاقه هر گه که کرد دست به تیر (این ضبط دقیقاً مطابق با ضبطی است که در نسخه ترجمه کليلة مورخ ۵۹۴ق نیز دیده می شود و در بخش «الف» این نوشتار به آن پرداخته شد؛ ضبطی که هیچ یک از نسخه های مورد استفاده در چاپ منظومه سید حسن غزنوی آن را ندارد و اکنون به آن دست یافته ایم).
- فقره ۷۸، ۱م، بس سیه روی کو به آخر حال: ای بسا پرگنه که آخر کال [چنین است با «ل»]. (مشابه این ضبط در دست نویس های EB استفاده شده در تصحیح متن چاپی وجود دارد و پیداست ضبط کهنی است).
- فقره ۷۹، ۲م، که کم آمد پس از کمال چو بدر: که کم آمد کمال او چون بدر.
- فقره ۸۴، ۱م، بد بُود توشه ره پر چه: بد بُود خاصه در رهی پر چاه (مطابق با ضبط دست نویس های EDB و تا حدودی هم C).
- فقره ۸۸، ۱م، روز عمرش اگر چه باطربست: روز عمر ار چه نیک باطربست (مطابق با ضبط دست نویس های ED).
- فقره ۹۲، ۱م، بجد: دگر.
- فقره ۹۲، ۲م، چون شیخون بدید: باز شد پیش مرگ و (مطابق با ضبط دست نویس های EDB).

مواردی هم که اختلاف‌ها در حد تفاوت کامل بیت است، بسیار چشمگیر و پرتعداد است و شاید برخی از آن‌ها حاصل دست‌برد صاحب مونس‌نامه باشد، زیرا او خود شاعر پرکار و ادیب توانمندی بوده و آثاری به نظم و نیز به نثر به اتابکان آذربایجان تقدیم کرده است (بشری، ۱۳۹۸: ۱۲۹-۱۳۰). دلیل این مدعا آن است که آن ابیات به شکلی که در مونس‌نامه مندرج است، در هیچ یک از نسخه‌های چندگانه منظومه سید حسن غزنوی نیامده است. یکی از این تفاوت‌ها را در فقره ۲۱، ذیل ترجمه حدیث «وَمِنْ اسْتَعْنَى بِعَقْلِهِ زَلَّ» مشاهده می‌کنیم که در اغلب نسخه‌های منظومه چنین است:

هر که مغرور شد به عقل خراب      پایش از جای رفت همچو سراب  
(سید حسن غزنوی، ۱۳۸۹: ۷، با نسخه‌بدلی‌هایی در متن)

در حالی که در روایت ثبت‌شده در مونس‌نامه به این صورت آمده است که در هیچ نسخه‌ای وجود ندارد:

وانکه بر عقل خویش مغرورست      به‌درستی عظیم رنجورست  
(ابوبکر بن خسرو الاستاد، مونس‌نامه، بریتانیا: ۶پ)  
و یا در فقره ۲۲ آمده است:

هر که بر مردمان سرافرازد      جان سرش را ز تن دراندازد  
(سید حسن غزنوی، ۱۳۸۹: ۸)

اما در مونس‌نامه می‌خوانیم:

هر که بر خلق گردن افرازد      تیغ کبرش ز تن سر اندازد  
(ابوبکر بن خسرو الاستاد، مونس‌نامه، بریتانیا: ۶پ)

که ضبط به ظاهر روان‌تری (و نه الزاماً اصیل‌تری)، به‌ویژه در مصرع دوم، به نظر می‌رسد، هرچند هیچ یک از نسخه‌های مورداستفاده در تصحیح متن چاپی منظومه آن را تأیید نمی‌کند. در فقره ۲۳، در متن چاپی آمده است:

ور بریشان کنند سبک‌خردی      زو نیارند یاد جز به بدی  
(سید حسن غزنوی، ۱۳۸۹: ۸)

در مونس نامه چنین است:

وانکه با مردمان کند خواری  
زود افتد میان دشواری  
(ابوبکر بن خسرو الاستاد، مونس نامه، بریتانیا: ۷)

در فقره ۲۶، در متن چاپی صورت زیر دیده می شود:

باز باشد قرین اهل هنر  
نه کران/گران و گران بها چو گهر  
(سید حسن غزنوی، ۱۳۸۹: ۸)

اما در روایت مونس نامه آمده است:

آنکه باشد قرین اهل هنر  
شد گران و گران بها چو گهر  
(ابوبکر بن خسرو الاستاد، مونس نامه، بریتانیا: ۷)

در فقره ۳۲ در متن چاپی، بر اساس برترین نسخه ها آمده است:

آنت نادان که عیب برش مرد  
پس همان راز خود هنر شمرد  
(سید حسن غزنوی، ۱۳۸۹: ۹)

اما در روایت کتاب ابوبکر بن خسرو می خوانیم:

اینست ابله که عیب برش مرد  
خلق را، و ز خود هنر شمرد  
(ابوبکر بن خسرو الاستاد، مونس نامه، بریتانیا: ۷)

در فقره ۴۰، این بیت آمده است:

سخت نیز در شمار آید  
تا نگویی جز آنکه کار آید  
(سید حسن غزنوی، ۱۳۸۹: ۱۰)

اما در روایت مونس نامه صورتی به کل متفاوت دیده می شود که بیت مقبولی هم هست:

هر که داند که گفتنش عملست  
آن نگوید که اندران خللست  
(ابوبکر بن خسرو الاستاد، مونس نامه، بریتانیا: ۷)

در دو فقره بعدی، یعنی فقره ۴۱ و ۴۲ نیز در متن چاپی می خوانیم:

ای که می ترسی از جزای گناه  
پس دگر می کنی، تعالی الله  
شرم بادت چو می بخواهی مزد  
شوخ چشمی مکن ز کار مدزد  
(سید حسن غزنوی، ۱۳۸۹: ۱۰)

اما در متن مونس نامه آمده است:

وانکه می‌ترسد از عذاب سقر      عجب ار او گنه کند دیگر  
وانکه دارد امید حور و جنان      چون نکوشد به طاعت یزدان؟  
(ابوبکر بن خسرو الاستاد، بی‌تا: ۷پ)

سایر فقره‌هایی که بین متن اصیل ترجمه وصیت سید حسن و تحریر ثبت شده در مونس نامه در ترجمه بیت اختلاف فاحش وجود دارد، عبارت است از فقره‌های ۴۳، ۵۴، ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۹۵.

همه این موارد، و نمونه‌های دیگر از اختلاف‌ها بین این دو دسته منبع، تردیدی باقی نمی‌گذارد که نباید این دو صورت را متعلق به یک روایت دانست، بلکه یا اساساً با متنی دست‌برده شده روبرو هستیم که ابوبکر بن خسرو الاستاد یا فردی دیگر آن را به مقتضای ذوق خود دگرگون ساخته است، و یا این که ابوبکر بن خسرو به روایت و تحریری از منظومه سید حسن غزنوی دسترسی داشته که با روایت مندرج در چندین دست‌نویس موجود از آن - که هر یک در جایی از مناطق تحت نفوذ زبان فارسی کتابت شده - اساساً بسیار متفاوت بوده است.

### نتیجه

بیتی از یک منظومه سید حسن غزنوی که در یکی از دست‌نویس‌های کهن ترجمه کلیله و دمنه مورخ ۵۹۴ق بدان استشهاد شده، قدیم‌ترین نقل از آن منظومه محسوب شده است. درباره تاریخ‌گذاری این نقل می‌توان گفت که این کار یا توسط خود نصرالله منشی صورت گرفته - که در این صورت تاریخ این نقل به حدود ۵۳۸-۵۴۰ق به عقب برده می‌شود - و یا توسط کاتبی به دست‌نویس مورخ ۵۹۴ق افزوده شده - که در آن صورت نقلی متعلق به ۵۹۴ق خواهد بود. از فواید این بررسی، یکی آن است که قدمت نقل و استناد به منظومه سید حسن غزنوی، از تاریخ تقریبی نگارش راحة الصدور (۶۰۱ق یا ۶۰۳ق)، چندین سال به عقب‌تر برده می‌شود. مطلب مهم دیگر در این مقاله، یافت شدن روایتی کهن از همین

منظومه سید حسن در یکی از آثار تقدیم شده به دربار اتابکان آذربایجان در اواخر قرن ششم یا اوایل قرن هفتم هجری موسوم به مونس نامه اثر ابوبکر بن خسرو الاستاد است. یکی از مهم ترین فواید کشف این روایت یا تحریر در کتاب مونس نامه آن است که شهرت منظومه سید حسن غزنوی را در آن روزگار، که فاصله چندانی با زمان فعالیت ادبی او ندارد، نشان می دهد و این می رساند که کانون های ادبی بسیار دور از یکدیگر تا چه اندازه با هم در ارتباط بوده اند. از اختلاف های موجود در متن ثبت شده منظومه سید حسن در مونس نامه می توان حدس زد که نسخه ای از این منظومه که در اختیار ابوبکر بن خسرو بوده، در عین داشتن اشتراک فراوان، تفاوت های بسیاری نیز با صورت انتشار یافته متن منظومه سید حسن غزنوی داشته، و آن روایت را تا کنون هیچ یک از نسخه های متعدد این منظومه تأیید نکرده است. شاید بتوان حدس زد که بیشتر این اختلاف ها را ابوبکر بن خسرو خود پدید آورده تا متن را برای ممدوحی که کتاب را به او تقدیم کرده قابل فهم تر و مطبوع تر سازد.

## منابع

- ابن شعبه الحرّانی، أبو محمد الحسن بن علی بن الحسین (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول. عُنی بتصحيحه و التعليق عليه: علی أكبر الغفاری. الطبعة الثانية. قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين بقم المشرفة.
- ابوبکر بن خسرو الاستاد (بی تا). مونس نامه. نگارش بین ۵۸۷-۶۰۷ ق. دست نویس کتابخانه بریتانیا، شماره Or.9317.
- بشری، جواد. مقدمه - سید حسن غزنوی (۱۳۸۹).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸). «برخی ابیات فارسی از سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری در چند مأخذ کهن». کهن نامه ادب پارسی، س ۱۰، ش ۱: ۱۲۳-۱۴۶.
- \_\_\_\_\_ . مقدمه - نصرالله منشی (۱۳۹۹).
- بگ جانی، عباس. مقدمه - سید حسن غزنوی (۱۳۹۷).
- ساکت، سلمان (۱۳۹۸). «نصرالله منشی» در: دانشنامه زبان و ادب فارسی. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با همکاری نشر سخن: ۱۱/۵۶۲-۵۶۴.

- سید حسن غزنوی، ملقب به اشرف (۱۳۸۹). ترجمه منظوم وصیت امام علی به امام حسین (علیهما السلام) (کهن‌ترین ترجمه منظوم فارسی از کلام علوی). با مقدمه و تصحیح جواد بشری. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). دیوان. با مقدمه، تصحیح و توضیح عباس بگ‌جانی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- شکوهی، فریبا (۱۳۹۸). «راحة الصدور و آية السرور» در: دانشنامه زبان و ادب فارسی. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با همکاری نشر سخن: ۱۶۸-۱۵۹/۵.
- القبانچی، حسن (۱۴۲۱ق). مسند الإمام علی علیه السلام، ج ۱۰. ضبط نصّه و خرّج أحادیثه: طاهر السلامی. طهران: دار الأسوة للطباعة و النشر.
- الکرارجکی الطرابلسی، أبو الفتح محمّد بن علی بن عثمان (۱۴۰۵ق). کنز الفوائد، ج ۱. حقه و علّق علیه: عبدالله نعمة. بیروت: دار الأضواء.
- مفتاح، الهامه و وهاب ولی (۱۳۷۴). نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادبیات فارسی در ترکیه. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- مینوی، مجتبی. مقدمه ← نصرالله منشی (۱۳۷۹).
- نصرالله منشی، ابوالمعالی (۱۳۷۹). ترجمه کلّیله و دمنه. تصحیح و توضیح: مجتبی مینوی طهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹). ترجمه کلّیله و دمنه. به کوشش جواد بشری. چاپ عکسی (نسخه برگردان) دست‌نویس کتابخانه ملی آنکارا (وزارت معارف سابق ترکیه)، ش ۱۱۱، به خطّ محمّد بن هرون سیفی، مورّخ ۵۹۴ هجری. قم: نشر ادبیات.
- \_\_\_\_\_ (۸۳۳ق). ترجمه کلّیله و دمنه. دست‌نویس موزه طوقاپی سرای استانبول، ش ۱۰۲۲ اروان کوشکو. به خطّ محمّد بن حسام مشهور به شمس‌الدین بایسنغری.